



متل و منیل

شغال و ماه

● مهری ماهوتی
● تصویرگر: نرگس دلاوری

مرغ و خروس یهو پریدن از جا
شغال بدو خروس بدو با مرغا

نه یک ستاره بود، نه نور ماه بود
تاریکی بود وهمه جا سیاه بود

قدقد و جیک جیک و سروصدا شد
شغال می برد جوجه خروس رو با خود

مرغ و خروس وجوجه دونه دونه
خوابیده بودن همه توی لونه

از اون طرف باد اومد و هوار زد
ابر سیاه رو یک طرف کنار زد

شغاله، توی تاریکی، بی چراغ
نشسته بود دزدکی گوشه‌ی باغ

خوردن مرغ و جوجه کار اون بود
با شکمش همیشه مهربون بود

یواشکی پاورچین و پاورچین
پرید توی لونه‌ی پشت پرچین





ماه قشنگ چراغ آسمون شد
زمین پر از نور قشنگ اون شد

شغاله از جوجه و مرغا گذشت
دوید و رفت و گم شد اون سوی دشت

روزه کشون فراری شد تو بیشه
«ماه پشت ابر نمی مونه همیشه»

